

# ترجمهٔ متون ادبی

(ویراست ۲: با تجدید نظر)

دکتر علی خزاعی فر

تهران

۱۳۹۸



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)

پژوهشکدهٔ تحقیق و توسعهٔ علوم انسانی

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
۳	فصل اول: مترجم ادبی
۱۴	فصل دوم: دو اصل بنیادی در ترجمه ادبی
۲۹	فصل سوم: واحد ترجمه
۴۲	فصل چهارم: اشتراک، تغییر و انتقال
۶۱	فصل پنجم: روش ترجمه متون ادبی
۸۰	فصل ششم: زبان گفتاری
۱۱۴	فصل هفتم: ترجمه شعر
۱۳۶	ضمیمه
۱۳۸	داستان کوتاه بودجه، ترجمه عبدالله کوثری
۱۵۲	بخشی از منظومه سرزمین بی حاصل، ترجمه حسن شهباز
۱۶۰	بخشی از رمان هکلبری فین، ترجمه نجف دریابندری
۱۷۰	بخشی از رمان دن کیشوت، ترجمه محمد قاضی
۱۷۶	بخشی از داستان کوتاه باران، ترجمه دکتر علی محمد حق شناس
۱۸۴	داستان کوتاه کوتوله، ترجمه دکتر علی خزاعی فر
۱۹۲	بخشی از شعر مرگهای بوئنوس آیرس، ترجمه احمد میرعلایی
۱۹۶	بخشی از نمایشنامه تراژدی قیصر، ترجمه فرنگیس شادمان
۲۰۴	بخشی از رمان تام جونز، ترجمه دکتر احمد کریمی حکاک
۲۱۲	بخشی از کتاب ضد خاطرات، ترجمه ابوالحسن نجفی / رضا سیدحسینی
۲۱۶	بخشی از رمان حریم، ترجمه فرهاد غبرایی
۲۲۴	کتابنامه

## مترجم ادبی

مترجم ادبی چه قابلیت‌هایی باید داشته باشد؟ برای اینکه بتوانیم سیمای مترجم ادبی را ترسیم کنیم، باید ابتدا ببینیم مترجم ادبی در ترجمه ادبی با چه مشکلاتی روبه‌روست و لذا ترجمه متن ادبی چه قابلیت‌هایی می‌طلبد. در زیر به برخی از این مشکلات اشاره می‌کنیم. قبل از آن ذکر این نکته ضروری است که برخی از این مشکلات، زبانی و برخی فرهنگی می‌باشد. و نیز برخی خاص ترجمه متون ادبی است ولی برخی دیگر مشکلاتی عام در ترجمه انواع متون است.

در متن ادبی به اشیاء، مفاهیم و نهادهای اجتماعی و فرهنگی‌ای اشاره می‌شود که لزوماً در زبان مقصد وجود ندارد. حوزه معنایی کلمات دو زبان همیشه بر هم منطبق نیستند. دو زبان ساختارهای نحوی و قابلیت‌های بیانی متفاوتی دارند. متن ادبی گاه زبانی ساده و صریح و گاه زبانی خلاق یا استعاری دارد. متن ادبی لحن خاص و سبک خاص دارد و تأثیری خاص ایجاد می‌کند. عین تعبیری که نویسنده در بیان اندیشه‌اش به کار برده، گاه در زبان مقصد قابل درک و پذیرفته نیست. توصیفات در متن ادبی گاه عینی و ملموس است گاه ذهنی و دشواریاب. مقصود نویسنده گاه به صراحت بیان نمی‌شود و گاه درک روابط میان اجزای جمله به سادگی ممکن نیست. در متن ادبی کلمات با حساسیت خاص انتخاب و به نحوی بدیع با یکدیگر ترکیب می‌شوند. انتخاب ساختارها و نحوه برقراری ربط و انسجام میان آنها نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. هرچند تعیین عواملی که ادبی بودن متن ادبی را می‌سازد

دشوار است، در غالب موارد خوانندگان، متن ادبی را، اعم از داستان یا غیرداستان، چه به زبان ادیبانه نوشته شده باشد چه به زبان عامیانه، از متن غیرادبی باز می‌شناسند. در تألیف، مؤلف صاحب اندیشه است و این آزادی را دارد که اندیشه را به هر طریق که مایل است جرح و تعدیل کند ولی مترجم در نحوه بیان اندیشه محدودیت دارد و باید اندیشه را بی‌کم‌وکاست و در قالبهایی هرچه نزدیکتر به قالبهای متن اصلی بیان کند.

از آنچه در بالا گفته شد، چنین نتیجه می‌شود که مترجم ادبی، اگرچه لازم نیست نویسنده‌ای در سطح نویسنده متنی باشد که آن را ترجمه می‌کند، اما لازم است کم‌وبیش به اندازه‌ای که نویسنده بر زبان مادری‌اش تسلط داشته، بر زبان مادری خود تسلط داشته باشد. یعنی دانش و ذوق زبانی داشته باشد، قابلیت‌های زبان خود را بشناسد به طوری که بتواند جمله‌ای را به طرق مختلف بیان کند و تفاوت‌های ظریف معنایی میان کلمات و جملات را درک کند، زبان را به نحوی بدیع به کار گیرد و لحن و مقصود نویسنده را به درستی بیان کند.

تسلط به زبان فارسی تنها یکی از ویژگیهای ضروری مترجم ادبی است. مترجم ادبی ویژگیهای دیگری نیز باید داشته باشد، از جمله: عقل سلیم، که در کلیه مراحل تحلیل متن و بازنویسی راهنمای اوست؛ قدرت انتزاع برای درک مقصود و توصیفات و استعاره‌های نویسنده و روحیه تحقیق برای یافتن پاسخ سؤالاتی که در حین ترجمه پیش می‌آید. مترجم ادبی همچنین باید زیاد کتاب بخواند، ذهنش سرشار از لغات و تعبیرات باشد، در مورد بسیاری از رشته‌ها دانشی اولیه داشته، فرهنگ زبان مقصد را تا حدی بشناسد؛ با ادبیات مأنوس بوده، منصف باشد تا تصور درستی درباره‌ی خود داشته باشد؛ با معیارهای مورد قبول مترجمان ادبی سرشناس، یعنی با سنت ترجمه ادبی، آشنا باشد؛ در مورد روش یا روشهای ترجمه صاحب نظر باشد؛ و بالاخره تا آن حد با زبان مبدأ آشنا باشد که اگر معنی عبارتی را نفهمید بداند که نفهمیده و بتواند از فرهنگ لغت یا سایر کتب مرجع استفاده کرده معنای درست را دریابد.